

۱۵- در تفسیر آیه امانت و مقصود از آفرینش انسان

یکی گفت که: اینجا چیزی فراموش کرده ام.

خداوندگار (مولانا) فرمود که: در عالم یک چیز است که آن فراموش کردنی نیست. اگر جمله چیزها را فراموش کنی و آن را فراموش نکنی، باک نیست. و اگر جمله را بجا آری و یاد داری و فراموش نکنی و آن را فراموش کنی، هیچ نکرده باشی - همچنانکه پادشاهی تورا به ده فرستاده برای کار معین، تو رفتی و صد کار دیگر گزاردی، چون آن کار را که برای آن رفته بودی نگزاردی، چنان است که هیچ نگزاردی. پس، آدمی درین عالم برای کاری آمده است، و مقصود آن است، چون آن نمی گزارد، پس، هیچ نکرده باشد.

اگر تو گویی که اگر آن کار نمی کنم، چندین کار از من می آید، آدمی را برای آن کارهای دیگر نیافریده اند. همچنان باشد که تو شمشیر پولاد هندی بی قیمتی - که آن در خزاین ملوک یابند- آورده باشی و ساطور گوشت گندیده ای کرده که من این تیغ را معطل نمی دارم، به وی چندین مصلحت می آرم. یا دیگ زرین را آورده ای و در وی شلغم می پزی که به ذره ای از آن صد دیگ به دست آید. یا **کارد مجوهر را میخ کدوی شکسته کرده ای** که من مصلحت می کنم و کدو را بر وی می آویزم و این کارد را معطل نمی دارم. جای افسوس و خنده نباشد؟ چون کار آن کدو به میخ چوبین یا آهنین که قیمت آن به پولی است، بر می آید، چه عقل باشد کارد صد دیناری را مشغول آن کردن؟

حق تعالی تورا قیمت عظیم کرده است. می فرماید که:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ (خداوند مال و جان اهل ایمان را در مقابل بهشت از ایشان خریداری می کند - توبه - ۱۱۱).

تو بقیمت و رای دو جهانی؛ چه کنم قدر خود نمی دانی.

مفروش خویش ارزان، که تو بس گرانبهای. حق تعالی می فرماید که من شمارا و اوقات و انفاس شمارا و اموال و روزگار شمارا خریدم که اگر بمن صرف رود و بمن بدهید، بهای آن بهشت جاودانیست، قیمت تو پیش من این است، اگر تو خود را به دوزخ فروشی ظلم بر خود کرده باشی، همچنانکه آن مرد کارد صد دیناری را بر دیوار زده و برو کوزه‌ای یا کدویی آویخت.